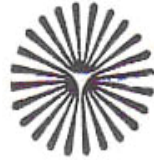


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه علمی تاریخ

عنوان پایان نامه:

نقش حزب تجدد در برافتادن قاجار و برآمدن رضاخان به سلطنت

نگارش:

محمدرضا رجبعلی نیا

استاد راهنما:

آقای دکتر علیرضا علی صوفی

استاد مشاور:

آقای دکتر داریوش رحمانیان

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته تاریخ ایران دوره‌ی اسلامی

بهار ۸۹

تقدیر و تشکر

در انجام تحقیق حاضر (پایان نامه) بر خود لازم دانسته از زحمات بی دریغ و بی شائبه استاد راهنمای خود، آقای دکتر علی صوفی، که در تدوین، تنظیم و تنسيق این پایان‌نامه نهایت همکاری را داشته اند، کمال تشکر و قدردانی را به عمل آورم. همین طور از استاد مشاورم، آقای دکتر رحمانیان که با مشورت ها و راهنمایی های مشفقانه خود بنده را در پیشبرد این پژوهش راهنمایی نمودند، سپاسگزارم. همچنین بر خود فرض می دانم از اساتید دیگری که در طول دوره تحصیلی از آن ها سود جسته ام، تشکر نمایم.

چکیده

توده مردم و روشنفکران از نظام مشروطه انتظارات فراوانی داشتند که اهم آن برقراری امنیت، آزادی و توسعه و ترقی ایران بود. اما ناکارآمدی نظام مشروطه به خصوص بعد از جنگ جهانی اول موجب شد که عموم مردم و روشنفکران به دنبال این باشند که ابتدا حکومتی مقتدر و توانمند ایجاد کنند تا اوضاع ناامید کننده کشور سر و سامان بگیرد. در این راستا بود که کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ اتفاق افتاد. قابلیت و توانمندی رضاخان به عنوان یکی از عوامل کودتا در مقام وزارت جنگ و پس از آن نخست وزیری موجب جلب توجه عموم مردم و روشنفکران به سوی او شد. در همین اوضاع حزب تجدد با پشتیبانی رضاخان شکل گرفت و اعضای آن توانستند وارد مجلس پنجم شوند. حزب تجدد در برنامه و مرامنامه خود خواستار تشکیل حکومتی قدرتمند، صنعتی شدن کشور، لغو کاپیتولاسیون، جدایی دین از سیاست، تعلیم و تربیت عمومی برای همه از جمله زنان و توجه به ملیت و زبان فارسی بود. سران اصلی حزب تجدد، یعنی داور، تیمور تاش و تدین حکومت قاجار را مانع تحقق برنامه‌های خود می‌دانستند. به همین خاطر در مجلس پنجم تلاش نمودند مقدمات خلع قاجاریه را فراهم نمایند. آنان ابتدا جنبش جمهوری خواهی را شکل دادند. اما بعد از ناکامی جمهوری خواهی در صدد انتقال سلطنت برآمدند. آنان قبل از تغییر سلطنت ابتدا با تدبیر داور که حقوقدان بود، فرماندهی کل قوا را که مطابق قانون اساسی به شاه تعلق داشت با همدستی نمایندگان مدافع رضاخان، از شاه انتزاع نمودند و به رضاخان اعطا نمودند. بعد از مدتی داور ماده واحده ای مربوط به خلع قاجاریه تنظیم نمود که در مجلس به تصویب اکثریت نمایندگان رسید. پس از آن مقدمات تشکیل مجلس مؤسسان را که در ایران بی سابقه بود، فراهم نمود و بعد از تشکیل مجلس مؤسسان سلطنت به رضاخان و اعقاب او واگذار شد.

واژگان کلیدی

قاجار، حزب تجدد، رضاخان، تیمور تاش، داور، تدین، حکومت مقتدر، جمهوری خواهی، تغییر سلطنت.

فهرست مطالب

مقدمه

کلیات تحقیق

عنوان

بخش اول: شکل گیری احزاب در ایران

| | |
|---|----|
| مقدمه | ۲ |
| ۱- بررسی احزاب سیاسی از مجلس دوم تا آغاز مجلس پنجم: | ۵ |
| الف) حزب دموکرات | ۵ |
| ب) حزب اعتدالیون | ۷ |
| پ) حزب اصلاح طلبان | ۸ |
| ت) حزب سوسیالیست | ۹ |
| ۲- اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران از مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹ | ۱۳ |
| بخش دوم: حزب تجدد | |
| ۱- دلایل تشکیل حزب | ۲۰ |
| الف) عمومی | ۲۰ |
| ب) خاص | ۳۲ |
| ۲- ساختار تشکیلاتی حزب | ۳۳ |
| ۳- مرامنامه حزب | ۳۷ |
| ۴- دیدگاه های حزب | ۳۹ |
| مقدمه | ۳۹ |
| الف) سیاسی - اقتصادی | ۴۰ |
| ۱- سیاسی | ۴۰ |
| ۲- اقتصادی | ۴۳ |
| ب) اجتماعی - فرهنگی | ۴۶ |

بخش سوم: حزب تجدد و رضاخان

۱- مبانی فکری جنبش جمهوری خواهی ۵۱

۲- حزب تجدد و جمهوری رضاخانی ۶۳

۳- حزب تجدد و سلطنت رضاشاه ۷۹

بخش چهارم: حزب تجدد در دوران سلطنت رضاشاه

۱- حزب تجدد در دوران سلطنت رضاشاه تا انحلال ۱۱۶

۲- مناسبات داخلی و خارجی بنیان گذاران حزب و سرنوشت نهایی آنان: ۱۲۰

الف) عبدالحسین تیمورتاش ۱۲۰

ب) علی اکبر داور ۱۳۴

پ) سیدمحمدتدین ۱۴۳

نتیجه گیری ۱۴۸

منابع و مأخذ ۱۵۱

پیوست و عکس ها

چکیده انگلیسی

مقدمه

از مشروطه ایران وارد مرحله نوینی شده بود که با نظام ماقبل خود خیلی متفاوت بود. نظام مشروطه در پی آن بود که به خواسته‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که نظام ماقبل آن دیگر نمی‌توانست آن‌ها را برآورده کند، محقق سازد. نظام مشروطه علیرغم تأثیرات ژرفی که بر نظام سیاسی ایران برجای نهاد، موفق به تشکیل دولتی مقتدر و توانمند نشد که بتواند هم بر اوضاع کشور مسلط باشد و هم به اوضاع اقتصادی کشور سر و سامان بخشد. جنگ جهانی اول که آغاز گردید ناکارآمدی نظام مشروطه بیشتر از گذشته مشخص شد. علیرغم اعلام بی‌طرفی ایران مورد هجوم کشورهای درگیر جنگ واقع و استقلال آن نقض شد و در پی آن خسارات فراوانی هم بر امنیت داخلی و اوضاع اقتصادی آن وارد آمد. در پی این حوادث نخبگان کشور به تدریج به این نتیجه رهنمون شدند که با نظام مشروطه نمی‌شود خواسته‌های خود را که برخی از آن‌ها شامل نوسازی و توسعه ایران و تبدیل آن به کشوری مقتدر بود، محقق سازند. لذا حادثه جنگ جهانی اول آنان را به این فکر انداخت که ابتدا باید حکومتی مقتدر تشکیل داد تا راه‌های توسعه و ترقی ایران را با توانمندی انجام داده و امنیت و نظم را جایگزین بی‌نظمی و هرج و مرج نمایند. در پی این اندیشه بود که کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ با همکاری نیروهای داخلی و مقامات سفارت انگلیس در تهران صورت گرفت. با کودتا، فضای سیاسی ایران وارد مرحله جدیدی شد که در آن رضاخان به عنوان یکی از پایه‌های کودتای سوم اسفند توانست رضایت‌مندی توده مردم و برخی روشنفکران و نخبگان را به خود جلب کند. رضاخان تا زمانی که به نخست‌وزیری منصوب شد در همه کابینه‌ها به عنوان وزیر جنگ مقامی ثابت داشت و توانست در این مقام قابلیت و توانمندی خود را نشان دهد و امنیت را که بعد از جنگ جهانی تا حدود زیادی از میان رفته بود، برقرار کند. اقدامات رضاخان در دوران وزارت جنگ موجب جلب توده مردم و نخبگان به او شد و آنان را به این نتیجه رهنمون ساخت که می‌توان در قالب رضاخان حکومتی مقتدر تشکیل داد و در پی آن نوسازی و ترقی ایران را محقق ساخت. لذا در اواخر مجلس چهارم نمایندگان نزدیک به رضاخان، همچون داور در مجلس تلاش نمودند که مقدمات رئیس‌الوزرای رضاخان را مهیا کنند و در بیرون از مجلس نیز داور در روزنامه خود «مرد آزاد» به همراه دیگر نشریات مدافع رضاخان برای رئیس‌الوزرای او تبلیغ می‌نمودند و از احتیاج کشور به فردی مقتدر که در رأس حکومت قرار گیرد، سخن می‌گفتند. لذا بعد از این که رضاخان به رئیس‌الوزرای

منصوب شد، در آستانه تشکیل مجلس پنجم حزب تجدد توسط تیمور تاش، داور و تدین که خواستار تشکیل حکومتی مقتدر توسط رضاخان و خلع قاجاریه بودند، به وجود آمد. رضاخان هم که تلاش می‌نمود مقدمات تشکیل مجلس پنجم را فراهم نماید، توانست افراد منسوب به خود را به کمک فرمانداران نظامی که در زمان وزارت جنگ او در ایالات و ولایات نفوذ گسترده‌ای بدست آوردند، وارد مجلس نماید. حزب تجدد با حزب سوسیالیست که مدافع اصلاحات رضاخان بودند اکثریت مجلس پنجم را تشکیل دادند. حزب تجدد در همان روزهای آغازین مجلس پنجم ابتدا سعی نمود با ایجاد حکومت جمهوری سلطنت قاجاریه را خلع نماید و رضاخان را به ریاست جمهوری برساند. بعد از این که طرح جمهوری خواهی ناکام ماند، این بار سعی نمودند که مقدمات سلطنت رضاخان را فراهم نمایند. لذا ابتدا فرماندهی کل قوا را که تعلق به شاه داشت، از او انتزاع نموده و به رضاخان اعطا کردند و بعد از آن که زمینه کاملاً برای خلع قاجاریه مهیا شد، ماده واحده‌ای مربوط به خلع قاجاریه تدوین کرده و در روز ۹ آبان ۱۳۰۴ به تصویب مجلس رساندند. به دنبال تصویب ماده واحده سلطنت قاجاریه منقرض شد و با تشکیل مجلس مؤسسان رضاخان به سلطنت رسید و جایگزین احمدشاه و سلسله قاجاریه شد.

۱- کلیات تحقیق

الف طرح مسأله

این پژوهش در واقع رویکردی متفاوت به نحوه به سلطنت رسیدن رضاخان دارد. به جای آن که عامل خارجی را تنها عامل در به سلطنت رسیدن رضاخان بداند عوامل داخلی را نیز از عوامل اصلی سلطنت رضاخان معرفی می‌کند. این پژوهش از میان عوامل داخلی، به نقش حزب تجدد در به سلطنت رساندن رضاخان که سران و بنیان گذاران آن بعضاً از تحصیل کرده‌های غرب بودند و پایه‌های فکری رضاخان را در دوران سلطنت او تشکیل می‌دادند، می‌پردازد.

ب) طرح سؤال

با توجه به این مقدمات، سؤال اصلی پژوهش این است که: «چرا حزب تجدد تلاش نمود حکومت قاجار برافتد و رضاخان به سلطنت برسد؟» بدیهی است که در درون این سؤال اصلی سئوالات فرعی نیز مطرح می‌شود که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱- حزب تجدد در چه شرایطی شکل گرفت؟

۲- شعارها و برنامه‌های حزب تجدد چه بود؟

۳- حزب تجدد چه نقشی در خلع سلطنت قاجاریه و روی کار آمدن رضاخان داشت؟

۴- سرنوشت حزب تجدد و اعضای اصلی آن در حکومت رضا شاه چه شد؟

برای پاسخ به این سؤالات با نگاهی آسیب‌شناسانه به بررسی و کاوش حوادث ایران از مشروطه تا پایان مجلس پنجم پرداختم که در درون این بررسی چگونگی شکل‌گیری حزب تجدد و مبانی فکری جنبش جمهوری خواهی و طرح جمهوری خواهی و بالاخره خلع قاجاریه و انتقال سلطنت بازگو شده است.

پ) فرضیه

فرضیه پژوهش این است که اعضای «حزب تجدد» در واقع اصلاح‌طلبان جوان تحصیلکرده غرب را تشکیل می‌دادند که در سابق حامی دموکرات‌ها بودند و درصدد بودند تا اصلاحات و نوسازی را با رو کردن به نخبگان قدرت، ترجیحاً مرد قدرتمندی چون رضاخان که توانمندی و قابلیت خود را نشان داده بود، محقق سازند. اما از آن جا که سلسله قاجاریه را مانع تحقق نوسازی و ترقی می‌دانستند، در مجلس پنجم ابتدا از طریق جمهوری خواهی و سپس با شکست و ناکامی جنبش جمهوری خواهی از طریق فراهم نمودن مقدمات سلطنت رضاخان و بعد با به سلطنت رساندن او خواسته‌های خود را محقق سازند.

ت) پیشینه تحقیق

در خصوص نقش عوامل داخلی که بر مبنای ایدئولوژی دست به تغییر رژیم زدند، کمتر پژوهشی صورت گرفته است. پایان‌نامه‌ای از «گودرز امرایی» به نام «زمزمه جمهوریت و مجلس شورای ملی» موجود است که مربوط به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی سال ۱۳۷۹ است. در این «پژوهش محقق به نقش نمایندگان دوره پنجم مجلس شورای ملی» در مورد این قضیه می‌پردازد بدون آن که در بررسی خود به این نکته بپردازد که تلاش نمایندگان مدافع رضاخان به خصوص حزب تجدد بر مبنای تفکری بود که این تفکر بعد از جنگ جهانی اول در ایران پدید آمد. این تفکر و اندیشه به دنبال حکومتی مقتدر بود و در آن زمان هم تنها فرد شایسته‌ی حکومت مقتدر را رضاخان می‌دانستند.

ث) قلمرو تحقیق

پژوهش از سال ۱۳۰۲ ش، با آغاز مجلس پنجم شروع می‌شود و تا زمانی که مجلس طرح خلع سلسله قاجاریه را تصویب نمود و با تشکیل مجلس مؤسسان رضاخان به سلطنت رسید، پایان می‌یابد.

ج) روش تحقیق

روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای بوده است که با تکیه بر منابع اصلی و خاطرات و نشریات و تحقیقات جدید صورت گرفته است.

۲- سامان‌دهی پژوهش

این پژوهش در چهار بخش تدوین شده است. بخش اول در مورد شکل‌گیری احزاب است. در این بخش ابتدا در قالب مقدمه، بررسی کوتاهی از مجامع و انجمن‌های قبل و بعد از مشروطه صورت گرفت. بعد از آن به نحوه شکل‌گیری احزاب و بررسی کوتاهی از آن‌ها از مجلس دوم تا زمان تشکیل حزب تجدد می‌پردازیم. قسمتی دیگر از این بخش بررسی اوضاع سیاسی از مشروطه تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ است که در آن به عواملی که منجر به کودتای ۱۲۹۹ شد، مختصراً پرداخته می‌شود.

بخش دوم بررسی دلایل تشکیل حزب تجدد می‌باشد. در آن ابتدا شرایط عمومی و خاص که منجر به شکل‌گیری حزب تجدد شد مورد کاوش قرار می‌گیرد. قسمت بعدی مربوط به ساختار تشکیلاتی حزب، بنیان‌گذاران اصلی حزب، مرامنامه و برنامه‌های حزب می‌باشد. در این قسمت دیدگاه‌های حزب در مورد مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در برخی از نشریات آن دوران بازگو شده است، مورد بررسی قرار گرفت.

بخش سوم در مورد نقش حزب تجدد در خلع قاجاریه، ابتدا از طریق جمهوری خواهی و بعد به واسطه تغییر سلطنت است. ابتدا مبانی فکری جمهوری خواهی با توجه به نشریات مدافع این جنبش که در واقع بازگو کننده اصلی چرایی تشکیل حکومت جمهوری است، بیان می‌شود. پس از آن تلاش حزب تجدد در مجلس پنجم به ایجاد حکومت جمهوری به واسطه خلع قاجاریه و نزاعی که در درون و بیرون مجلس بین موافقین و مخالفین جمهوری صورت گرفت، مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه به تلاش سران حزب تجدد و رضاخان که بعد از ناکامی جنبش جمهوری خواهی برای تغییر سلطنت انجام دادند که در نهایت منجر به خلع قاجاریه و سلطنت رضاخان شد، مورد کاوش قرار می‌گیرد.

در بخش چهارم به مناسبات سران اصلی حزب (تیمور تاش - داور - تدین) با قدرت‌های داخلی و خارجی پرداخته می‌شود. ابتدا به تیمور تاش و نحوه ارتباط او با نیروهای داخلی مؤثر که از آن طریق توانست خود را به پایه‌های قدرت نزدیک کند، می‌پردازیم و در بعد خارجی، تلاش‌های تیمورتاش در قضیه نفت و ادعای جاسوسی تیمور تاش برای دولت شوروی مورد کاوش و بررسی قرار می‌گیرد. در

مورد داور و تدین نیز چگونگی رسیدن آنان به قدرت و اقدامات انجام شده توسط آنان در دوران رضا شاه با مناصبی که در اختیار داشتند، پژوهش مختصری صورت گرفته است. در انجام این تحقیق از منابع اصلی و جدید بهره گرفتیم که در این جا به بررسی برخی از این منابع می‌پردازیم.

الف) منابع اصلی:

۱- «شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه»: این کتاب توسط عبدالله مستوفی در سه جلد به نگارش درآمده است که از زمان آقامحمدخان قاجار شروع می‌شود و تا آخر مجلس مؤسسان را که منجر به سلطنت رضاخان شد، در بر می‌گیرد. در این پژوهش از جلد سوم استفاده شده است. مؤلف کتاب از دوران مظفرالدین شاه تا زمان رضا شاه در مناصب مختلفی بوده است. نویسنده از آن جا که در دوران طولانی زندگی خود در دوره‌های مختلف در مسند امور قرار داشت و از نزدیک شاهد جریانات و حوادث اتفاق افتاده بود، می‌تواند به عنوان یکی از منابع اصلی برای پژوهش مورد استفاده قرار گیرد. اما در حوزه این پژوهش نویسنده بدین دلیل که مخالف حکومت جمهوری و بعد تغییر سلطنت بود از استدلال موافقین این قضایا کمتر صحبتی به میان می‌آورد. همچنین در مورد بنیان گذاران حزب تجدد بیشتر از تدین و داور سخن می‌گوید و کمتر به تیمور تاش می‌پردازد. اما از آن جا که نویسنده در زمانی که جنبش جمهوری خواهی و تغییر سلطنت اتفاق می‌افتاد از نزدیک شاهد این اتفاقات بود کتابش از منابع اصلی برای این پژوهش به شمار می‌آید.

۲- «تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران یا انقراض قاجاریه»: این کتاب در دو جلد توسط محمدتقی بهار معروف به ملک‌الشعرا نوشته شده است و هر دو جلد در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. او این کتاب را در واقع همان طور که خود می‌گوید از روی یادداشت‌ها و سخنانی که در مجلس شورای ملی دوره چهارم و پنجم ایراد شد و همچنین حوادثی که ابتدا روزنامه‌های آن روزگار نوشتند، به صورت کتابی منتشر نمود. مؤلف حوادث تاریخ ایران را از مهاجرت نمایندگان به کرمانشاه و انحلال مجلس سوم تا زمان تغییر سلطنت در نهم آبان ۱۳۰۴ شرح می‌دهد. به همین خاطر این کتاب از منابع اصلی پژوهش در این دوره تاریخی می‌باشد. علیرغم آن که نام اصلی کتاب تاریخ مختصر احزاب سیاسی است اما کمتر در مورد احزاب سخن می‌گوید. بیشتر نام فرعی کتاب که تاریخ انقراض قاجاریه است براننده این کتاب می‌باشد. اما از آن جا که مؤلف در بطن حوادث قرار داشت و جز نمایندگان دوره چهارم و پنجم مجلس

شورای ملی بوده، از تمامی تلاشی که مدافعین رضاخان در مجلس چهارم و خود رضاخان برای رئیس‌الوزرائیش انجام دادند، پرده برمی‌دارد. و همچنین در مجلس پنجم از نقش آفرینی بنیان‌گذاران حزب تجدد در قضیه جمهوری خواهی و به سلطنت رسانیدن رضاخان نیز به تفصیل بحث می‌کند.

۳- «خاطرات و خطرات»: این کتاب نوشته حاج مهدیقلی خان هدایت معروف به مخبرالسلطنه است. نویسنده کتاب خاطرات خود را در دوران شش پادشاه که از زمان ناصرالدین شاه تا محمدرضا شاه پهلوی به تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۲۹ را در بر می‌گیرد، تدوین نموده است. از آن جا که نویسنده در اکثر دوره‌های یاد شده در مسند امور قرار داشت و از نزدیک شاهد جریانات و حوادث بود، اثرش به عنوان منبع پژوهشی بسیار مهمی می‌تواند مورد استفاده مورخین قرار گیرد. نوشته‌های مخبرالسلطنه در مورد قضیه جمهوری خواهی و به سلطنت رسیدن رضاخان و تلاشی که حزب تجدد و سران اصلی آن در این قضایا انجام می‌دادند، می‌تواند قسمتی از حوادث اتفاق افتاده در این دوره را بازگو کند. اما به دلیل اختصار آن، درباره‌ی بسیاری از مطالب و سخنرانی‌ها که در مجلس پنجم در جریان جمهوری خواهی و به سلطنت رسانیدن رضاخان توسط موافقین و مخالفین بیان شده، کمتر مطالبی گفته می‌شود.

۴- «حیات یحیی»: این کتاب توسط یحیی دولت‌آبادی در چهار جلد به نگارش در آمده است. در این پژوهش از مجلدات سوم و چهارم استفاده شده است. نویسنده کتاب از کسانی است که در قضیه مشروطیت و بعد از آن تا قضیه جمهوری خواهی و به سلطنت رسیدن رضاخان در بطن جریان امور قرار داشت. این کتاب از دوره ناصرالدین شاه شروع می‌شود و تا سال ۱۳۱۴ش را در بر می‌گیرد. این کتاب در مورد «شورای خصوصی مشورتی» که خود نویسنده کتاب عضو آن بود و جلساتی که این شورا با رضاخان داشت و نیز در مورد درخواست رضاخان برای داشتن مقامی ثابت که شاه و ولیعهد نتوانند او را از مقامش بر کنار نمایند که بالاخره منجر به اعطای فرماندهی کل قوا به رضاخان شد، مطالب ارزشمندی دارد. با وجود این، مسائل مربوط به جریان جمهوری خواهی و به سلطنت رسیدن رضاخان و تلاش سران اصلی حزب تجدد را به طور مختصر بیان می‌کند. اما از آن جا که خود نویسنده کتاب در جریان حوادث امور جمهوری خواهی و تغییر سلطنت قرار داشت و جز نمایندگان دوره پنجم مجلس شورای ملی بود، کتاب او به عنوان یکی از کتاب‌های اصلی پژوهش درباره‌ی این دوره محسوب می‌شود.

۵- «تاریخ بیست ساله ایران»: این کتاب توسط حسین مکی در هشت جلد نوشته شده است که از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا سقوط رضا شاه را در بر دارد. در این پژوهش چهار جلد آن مورد استفاده

واقع شد. کتاب، حوادث دوران یاد شده را با تفصیل بیان می‌کند و خواننده با خواندن مجلدات کتاب تسلط کافی بر دوره‌های تاریخی یاد شده، می‌یابد. نویسنده کتاب اطلاعات مفصلی در مورد چگونگی شکل‌گیری حزب تجدد و قضیه جمهوری خواهی و به سلطنت رسیدن رضاخان و تلاش سران اصلی حزب تجدد در این قضایا، در اختیار خواننده قرار می‌دهد. اما با این همه نویسنده در جای جای کتاب خود در حوادث مختلف، به ویژه حوادث مربوط به قدرت‌یابی رضا خان، نقش کشورهای بیگانه به خصوص انگلستان را خیلی پر رنگ جلوه می‌دهد؛ که این باعث می‌شود نقش عوامل داخلی تحت الشعاع کشورهای خارجی قرار گیرد. اما در هر حال این کتاب برای پژوهش در باب این دوره از مهمترین کتاب‌ها محسوب می‌شود.

۶- «رضا شاه» (خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی، علی ایزدی): این کتاب تألیف غلامحسین میرزا صالح می‌باشد. در این پژوهش فقط خاطرات سلیمان بهبودی مورد استفاده قرار گرفت. بهبودی از محارم خاص رضا خان قبل و بعد از سلطنت بود، لذا خاطرات او می‌تواند بسیاری از حوادث دوران رضاخان چه قبل از سلطنت و چه بعد از آن را کاملاً نمایان کند. در این کتاب تمام حوادث و همچنین قضایای جمهوری خواهی و به سلطنت رسانیدن رضاخان به صورت روز شمار بیان می‌شود. این کتاب می‌توانست نقش حزب تجدد و به خصوص سران اصلی آن را در قضیه جمهوری خواهی و به سلطنت رسانیدن رضاخان مفصل‌تر بیان کند که خیلی کم به آن‌ها اشاره شده است. اما با این همه از منابع قابل استفاده درباره‌ی این دوره محسوب می‌شود.

ب) منابع فرعی

۷- «ایران، بر آمدن رضاخان بر افتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها»: کتاب توسط سیروس غنی نوشته شده و توسط حسن کامشاد به فارسی درآمده است. از مزایای این کتاب استفاده زیاد از منابع، به خصوص منابع خارجی است. همان‌طور که از عنوان کتاب پیدا است نویسنده کتاب به نقش انگلیسی‌ها به خصوص سفارت انگلیس در تهران در قضیه سقوط سلسله قاجاریه و بر آمدن رضاخان به سلطنت می‌پردازد. علاوه بر نقش انگلیسی‌ها نویسنده کتاب نیز به نقش اعضای اصلی حزب تجدد در واقعه‌ی جمهوری خواهی و به خصوص تغییر سلطنت پرداخته است. همین‌طور افکار و اندیشه حزب تجدد و سران اصلی آن به خصوص تیمور تاش و داور را بیان می‌کند.

۸- «ایران و جهان از مشروطیت تا پایان قاجاریه»: این کتاب در سه جلد توسط عبدالحسین نوایی تألیف شده است. این کتاب از زمان یورش مغول تا پایان حیات سیاسی قاجاریه را در بر می‌گیرد. در این پژوهش جلد سوم آن که مربوط به حوادث دوران مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه و احمد شاه است، مورد استفاده قرار گرفت. در این کتاب حوادث دوره احمد شاه را تا پایان آن که منجر به خلع قاجاریه و به سلطنت رسیدن رضاخان شده است، به تفصیل و تحلیلی بیان نموده است. همچنین به نقش برجسته سران اصلی حزب تجدد در حوادث جمهوری خواهی و به سلطنت رسیدن رضاخان اشاراتی می‌شود.

۹- «داور و عدلیه» و «تیمور تاش در صحنه سیاست ایران»: هر دو کتاب توسط باقر عاقلی تألیف شده است. در کتاب «داور و عدلیه» مؤلف بخش‌های مختلف زندگی داور را مورد بررسی قرار داده و فعالیت‌های سیاسی و نفوذ او در مجلس پنجم در جریان خلع قاجاریه و به سلطنت رسیدن رضاخان و نقش برجسته‌ای را که در تشکیل مجلس مؤسسان داشت، به تفصیل مورد بحث قرار می‌دهد. همچنین در مورد اقدامات داور در دوران سلطنت رضا شاه با مناصبی که در اختیار داشته است، مطالبی بیان می‌کند. در کتاب دوم خود «تیمور تاش در صحنه سیاست ایران» جنبه‌های مختلف زندگی او چه قبل از سلطنت رضا شاه و چه بعد از سلطنت و عواملی را که منجر به دستگیری تیمور تاش شده است، تشریح می‌کند. از نقاط ضعف عمده مؤلف آن است که در هر دو کتاب مطالبی را که بیان می‌کند، بدون ارجاع است. بدیهی است که این کار تا حدودی از ارزش علمی کتاب می‌کاهد. از هر دو کتاب بیشتر در بخش چهارم در ارتباط با نیروهای داخلی و خارجی استفاده شده است.

بخش اول:
شکل‌گیری احزاب در ایران

مقدمه

قبل از پیدایش احزاب در ایران، ابتدا انجمن‌ها شکل گرفتند. از اواخر دوره ناصرالدین شاه شاهد شکل‌گیری انجمن‌ها و مجامع هستیم. در واقع جامعه ایرانی از اواسط دوره ناصری به دلیل تماس با تمدن غرب، وارد مرحله جدیدی شد که از جمله نتایج این تماس‌ها شکل‌گیری جمعیت‌های سیاسی، اعتقادی و سرّی در جامعه بود. فعالیت این جمعیت‌ها به طور پنهان و آشکار در گسترش تفکر جدید و پیدایش انقلاب مشروطیت مؤثر بودند.^۱

یکی از این انجمن‌ها، انجمن سرّی فراموشخانه بود که توسط میرزا ملکم‌خان دایر شد. ملکم‌خان در مراجعت به ایران فراموشخانه را تأسیس نمود که از آن طریق برنامه‌های اصلاحی خود را تحقق بخشید. فراموشخانه او ارتباطی با لژهای فراماسونی اروپا نداشت. اما در برخی از اهداف و برنامه‌ها از جمله در توسعه، تحول، پیشرفت و توجه به انسان دوستی مشترک بودند. در واقع اعضای فراموشخانه مخالف نظام استبدادی و خواستار اصلاحات و تغییر و تحول بودند. بعد از مدتی مورد سوء ظن شاه و برخی مقامات مذهبی قرار گرفتند. به دنبال آن ناصرالدین شاه حکم تعطیلی فراموشخانه را صادر و ملکم‌خان از ایران تبعید شد.^۲

با مرگ ناصرالدین شاه و به قدرت رسیدن مظفرالدین شاه گشایشی در فعالیت‌های سیاسی پدید آمد، که هدف اصلی همه‌ی فعالیت‌ها محدود کردن قدرت شاه و انجام اصلاحات در ایران بود. از جمله‌ی این انجمن‌ها و سازمان‌های تقریباً نیم مخفی که در دوران مظفرالدین شاه شکل گرفت، عبارت بودند از: مرکز غیبی، حزب اجتماعیون عامیون، جامع آدمیت، کمیته انقلاب و انجمن مخفی. این انجمن‌ها روند پیروزی انقلاب مشروطیت را تسریع نمودند. مرکز غیبی توسط دوازده تن از جوانان تندرو که تعلق خاطر و وابستگی به روزنامه «گنجینه فنون» داشتند، در تبریز شکل گرفت. روزنامه «گنجینه فنون» را در تبریز گروهی از روشنفکران جوان پدید آوردند که به دلیل دانستن زبان ترکی می‌توانستند تحولات قفقاز و امپراطوری عثمانی را پی‌گیری و در روزنامه‌ی خود منتشر نمایند. حزب اجتماعیون عامیون یا سوسیال دموکرات را جمعی از مهاجران در شهر باکو که مدتی در حزب سوسیال دموکرات روسیه فعال بودند،

۱- تبریزنیا، حسین: برخی علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران ۱۳۷۷، ص ۹۳.

۲- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره: پیدایش و تحول احزاب سیاسی، ۱۳۷۱، صص ۱۲۲-۱۱۹.

تشکیل دادند. تقریباً همه ی بنیان گذاران حزب از آذربایجان ایران بودند. رئیس این حزب نریمان نریمانف - معلمی آذربایجانی - بود که بعد از مدتی به رئیس جمهوری، جمهوری سوسیالیستی آذربایجان رسید. حزب در برنامه هایش که اقتباس از برنامه های اقتصادی سوسیال دموکراتیک روسیه بود، خواستار حق اعتصاب برای کارگران، تعیین هشت ساعت کار در روز، تعیین مستمری برای ایام پیری، تقسیم زمین بین افرادی که روی آن زمین کار می کنند، ایجاد مسکن برای همه ی افرادی که فاقد مسکن هستند، آموزش رایگان و مدارا با همه ی مذاهبی که مورد قبول دین اسلام است، بود. مرکز غیبی توانست به زودی رابطه نزدیکی با حزب اجتماعیون عامیون برقرار کند و برنامه های حزب را در داخل ایران گسترش دهد.

مرکز غیبی و حزب اجتماعیون متأثر از سوسیالیسم انقلابی شوروی بودند، اما جامع آدمیت افکار لیبرالی داشت. بنیان گذار آن میرزا عباسقلی خان قزوینی بود، که بعدها شهرت آدمیت را بر نام خویش افزود. او پدر فریدون آدمیت مورخ معروف عصر مشروطه بود. جامعه آدمیت سه هدف اصلی داشت، که شامل برنامه ریزی در جهت توسعه ی ملی، امید و دستیابی به آزادی، و توجه به مساوات و برابری بین همه افراد جامعه بدون توجه به دین و نژاد. در حالی که جامع آدمیت در کارهایش با احتیاط رفتار می نمود، کمیته انقلابی هم در تاکتیک و هم در استراتژی تند و رادیکال بودند. این کمیته مرکب از پنجاه و هفت نفر روشنفکر رادیکال، بود. مهمترین هدف و برنامه ی خود را سرنگونی حکومت استبدادی، برقراری عدل و قانون معرفی کردند. از جمله افراد منسوب به کمیته انقلابی ملک المتکلمین، سیدجمال الدین اصفهانی، یحیی دولت آبادی، یحیی اسکندری و سلیمان میرزای اسکندری بودند. در حالی که مرکز غیبی، کمیته انقلابی، جامع آدمیت و حزب اجتماعیون عامیون از روشنفکران متجدد تشکیل یافته، اعضای انجمن مخفی عمدتاً از طبقه متوسط سنتی بودند که در برنامه هایشان خواستار عدالتخانه، ایجاد و گسترش مدارس، توسعه و تقویت تجارت داخلی، معیاری برای عزل و نصب حاکمان، اجرای قوانین شرع اسلام، اصلاحات و تحول در امور نظامی بودند.^۱

انجمن های مخفی که قبل از انقلاب مشروطه در رأس فعالیت های اصلاح طلبی و مشروطه خواهی قرار داشتند، بعد از پیروزی مشروطه شروع به فعالیت های گسترده و وسیع نمودند، و به دنبال آن انجمن های دیگری نیز شکل گرفتند. برخی از این انجمن ها صنفی و برخی قومی بودند، هدف کلی خود را دفاع از

۱- آبراهامیان، یرواند: ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری، محسن مدیر شانه چی، ۱۳۷۹، صص ۷۳-۷۰.

مشروطه و مجلس اعلام کردند.^۱ این انجمن‌ها را می‌توان جز گروه‌های ذی نفوذ دانست. یکی از فرق‌های این گروه‌ها با احزاب در این است، که احزاب در پی کسب قدرت یا شرکت در اجرای آن هستند و در واقع می‌خواهند با شرکت در مبارزات انتخاباتی، پارلمان و دولت را در اختیار داشته باشند. اما گروه‌های ذی نفوذ در پی مشارکت در امر قدرت برای دست یافتن به قدرت نیستند، بلکه می‌خواهند بر زمامداران نفوذ داشته باشند و بر آنان فشار وارد کنند^۲ و از طریق فشار بر قدرت و حکومت به تحقق اهداف و خواسته‌هایشان برسند. در میان انجمن‌هایی که بعد از پیروزی مشروطه در ایران شکل گرفت، انجمن تبریز از اهمیت خاصی برخوردار بود. این انجمن در تداوم انقلاب مشروطه و در تهییج افکار مردم به خصوص آذربایجان سهم مهمی داشت و تلاش می‌کردند تا برنامه‌های رادیکال و انقلابی خود را از طریق وکلا، به خصوص وکلای آذربایجان پی‌گیری نمایند. نقش این انجمن در استبداد صغیر بسیار قابل توجه است. در واقع شکست محمدعلی شاه از انقلابیون تا حدود زیادی مدیون تلاش‌های انجمن تبریز است.^۳ اما با آغاز مشروطه دوم انجمن‌ها به محاق رفتند و احزاب به جای انجمن‌ها شکل گرفت.

عواملی که موجب شد از مجلس دوم احزاب در ایران شکل بگیرند، عبارتند از: ۱- بازگشت افرادی مانند دهخدا، تقی‌زاده و دیگران از خارج، آنان با مشاهده سیستم‌های حزبی در اروپایی به این نکته پی‌بردند، برای این که از آزادی، مشروطه و مجلس در مقابل ماشین حکومت محافظت نمایند، باید حزب تشکیل دهند، تا از طریق تشکیلات مجهز و منظم به این عمل مبادرت کنند. ۲- تجربه تلخ تعدد انجمن‌ها که نتوانستند در مقابل قدرت محمدعلی شاه کاری از پیش ببرند. ۳- تأثیر افکار کسانی نظیر حیدرخان عمو اوغلی که با الهام از تجربه‌های سوسیال دموکرات‌های قفقاز تشکیل حزب را از ضروریات مبارزه سیاسی می‌دانستند.^۴

روند شکل‌گیری احزاب در ایران متفاوت از شکل‌گیری احزاب در اروپا است. در اروپا ابتدا پارلمان و حکومت پارلمانی شکل گرفت، سپس به تدریج احزاب به وجود و رشد نمود، و جای پای محکمی در نظام سیاسی پیدا کرد. اما در ایران هم زمان با تشکیل مجلس احزاب به وجود آمد. بنابراین قبل از آن که مشروطه مستحکم شود و حکومت پارلمانی کاملاً در ایران شکل بگیرد و بر اوضاع مسلط گردد،

۱- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره: پیدایش و تحول احزاب سیاسی، ص ۲۴۱.

۲- دوررژه، موریس: جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی، ۱۳۷۶، صص ۴۲۶-۴۲۵.

۳- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره: مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه، ۱۳۷۵، ص ۶۳.

۴- نوذری، عزت‌الله: تاریخ احزاب سیاسی در ایران، ۱۳۸۰، صص ۱۲-۱۱.

احزاب به وجود آمدند و دستخوش رقابت های حزبی شدند. در اروپا احزاب مبتنی بر طبقات اجتماعی شکل گرفت. اما در ایران به علت آن که طبقات اجتماعی آن متفاوت از اروپا بود، احزاب کمتر بر اساس طبقات شکل گرفت و بیشتر جنبه ایدئولوژیکی و سیاسی داشتند. اما از آن جا که ایران اساس قوانین مشروطه را از اروپا اخذ نمود و احزاب هم در نظام سیاسی اروپا جای پای محکمی داشت به طور طبیعی وارد ایران شد.^۱ احزاب در کشورهای به اصطلاح جهان سوم در ارتباط با کسب قدرت به دو نوع احزاب در چارچوب حاکمیت و قانون و احزاب فرا قانون تقسیم می شوند. یعنی احزابی که در چارچوب قانون فعالیت می کنند و برای کسب قدرت به شیوه های غیرقانونی و قهرآمیز متوسل نمی شوند، اما احزابی که برای کسب قدرت و اعمال آن به شیوه های غیر دموکراتیک متوسل می شوند.^۲ چنانکه روند شکل گیری حزب تجدد با توسل به حاکمیت بود و در مجلس پنجم با کمک حاکمیت توانست وارد مجلس شود.

بنابراین علیرغم شکل گیری احزاب و فعالیت آنان، مردم بر اساس تفکرات حزبی به گروه ها و افراد رأی نمی دادند. بلکه بیشتر بر اساس شهرت به آنان رأی می دادند، و این بر می گردد به این که هنوز حاکمیت پارلمانی و تفکرات حزبی نتوانسته در میان مردم ریشه بدواند، زیرا در آغاز راه بود و اکثریت جامعه ایران بی سواد مطلق و فقط درصد اندکی از مردم که اکثر آنان در شهرها ساکن بودند از قدرت سواد برخوردار بودند. همین طور اعضای حزب نیز در تفکرات حزبی خود پایدار نبودند و بعد از مدتی عضویت در حزبی به حزب دیگر می پیوستند.

۱- احزاب سیاسی از مجلس دوم تا مجلس پنجم

الف) حزب دموکرات: در سال ۱۲۸۷ ش، محمدامین رسولزاده که از سران حزب همت در باکو بود به ایران آمد و سال بعد با کمک برخی از سران مشروطه حزب دموکرات را تشکیل دادند.^۳ پیشگامان آن ها عضو انجمن ها و سازمان های رادیکال قبل از سال ۱۲۸۵ ش، بودند. اعضای آن عبارت از: تقی زاده و محمد ترتیب از اعضای گنجینه فنون در تبریز، سلیمان اسکندری و محمدرضا مساوات از کمیته انقلابی در تهران و حسینقلی خان نواب احتمالاً از اعضای مخفی جامع آدمیت در تهران بودند. حزب دموکرات

۱- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره: مرانامه ها و نظام نامه های احزاب سیاسی ایران در دومین دوره ی مجلس شورای ملی، ۱۳۶۱، صص ۱۲-۹.

۲- ازغندی، علیرضا: تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، ۱۳۸۳، صص ۳۰۵-۳۰۴.

۳- مدیرشانه چی، محسن: فرهنگ احزاب و جمعیت های سیاسی، ۱۳۸۵، ص ۷۹.

در خارج از پارلمان توسط حیدرخان عمو اوغلی و رسول امین‌زاده اداره می‌شد. حیدرخان به عنوان دبیر اجرایی سازمان، دموکرات‌های تهران را با سوسیال دموکرات‌های باکو پیوند می‌داد. رسول‌زاده که پیش از انقلاب روسیه به عنوان یکی از سران منشویک در باکو بود برای جنگ داخلی به ایران آمد و روزنامه «ایران نو» را منتشر نمود که از ارگان حزب بود و به زودی در میان مطبوعات تهران بیشترین تیراژ را به دست آورد.^۱ دموکرات‌ها علاوه بر تهران در شهرهایی همچون قزوین، رشت، مشهد، تبریز، اصفهان، ارومیه و برخی شهرهای دیگر نیز تشکیلات و روزنامه داشتند. در تبریز روزنامه «شفق سرخ»، در گیلان «صدای گیلان»، در اصفهان «زاینده‌رود»، در قزوین «روزنامه قزوین» و در ارومیه «فروردین» را منتشر می‌نمودند.^۲ آنان تحت تأثیر حیدر عمو اوغلی و رسول‌زاده متأثر از اندیشه‌های سوسیالیستی قرار داشتند، چنانکه در تدوین برنامه‌هایشان از حزب سوسیال دموکرات‌های سابق که قبل از انقلاب مشروطه در باکو شکل گرفته بود، بسیار وام گرفتند.

آنان در برنامه‌هایشان خواستار، ایجاد مجلس شورای ملی نیرومند و تأخیر در گشایش مجلس سنا، جدایی دین از سیاست، صنعتی کردن کشور، لغو کاپیتولاسیون، روزی هشت ساعت کار، ممنوعیت کار برای کودکان، تقسیم زمین بین افرادی که روی زمین کار می‌کنند، نظام انتخاباتی مستقیم و مخفی، آموزش رایگان برای همه از جمله زنان و دو سال خدمت نظامی برای همه مردان بودند.^۳ حزب دموکرات در فعالیت‌هایش دچار فراز و نشیب بسیاری شد، چنانکه در آستانه انتخابات مجلس چهارم برخی از اعضای آن در صدد برآمدند برای ورود به مجلس به احیای حزب که در زمان جنگ جهانی اول از هم متلاشی شده بود، پردازند. هدف از احیای مجدد همان طور که بهار می‌گوید: این بود که از مداخله بیگانگان ممانعت به عمل آید و دولتی مقتدر تشکیل گردد، تا به دخالت کشورهای بیگانه منجر نشود.^۴

حزب دموکرات به دلیل موضوع انتخابات مجلس چهارم به دو شاخه تشکیلی و ضد تشکیلی تقسیم شدند. تشکیلی‌ها خواستار احیای حزب و حتی جذب افراد جدیدی بودند، اما ضد تشکیلی‌ها معتقد

۱- آبراهامیان، یرواند: ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری، محسن مدیرشانه‌چی، صص ۹۴-۹۳.

۲- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره: پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت، ص ۳۳۱.

۳- آبراهامیان، یرواند: ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری، محسن مدیرشانه‌چی، ص ۹۴.

۴- بهار، محمدتقی (ملک‌الشعرا): تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ج ۱، ۱۳۸۶، ص ۲۷.